

پیوند ناگسستنی مذاهب!

«اگرچه سال گذشته وعده کردیم که در پیرامون «
«نقش روانی مذهب» سخن بگوئیم لکن طبیعتاً ،
«پانزدهمین قرن بهشت پیامبر عالی‌قدر اسلام ما را بر آن ،
«داشت که در این فرصت ، درباره ارتباط و پیوند ،
«مذاهب و یگانگی روح آنها بحث کنیم و بحث درباره ،
«موضوع مذکور را به فرصتی دیگر بر گزار کنیم ، باشد ،
«که از این رهگذر ، دین مذهبی واجتماعی خود را اداء
«کرده باشیم ...»

طبیعت آهنگ توحید ساز میکند!

رمز اختلاف ادیان

تورات و بشارات آن

انجیل و بشارات آن

طبیعت ، آهنگ توحید ساز میکند!

... ای بلبلان ، نغمه سرایی کنید! ای مرغان آسمانی ، چپچه

بز نید و بنالید! ای ستارگان ، چشمک بز نید و نور افشانی کنید! ای ابرها

بگریید! ای گلها، ای چمنها و ای شکوفهها بخندید! ای درختان، خرمی کنید! ای نیلوفرها، در فروغ آفتاب، غنچهها بیاورید! از هر کنار، گلها بشکفید و شاخسار بیدر در زبور زیبا، و تارک دلربایش را در حلقه دنیا بگریید! آری، زلف پرچین و شکن و بنا گوش زمرد گون او را در خرم تاجی، از پیروزه و عینا بگریید! آنسان که هر کس آن تاج گل را بنگرد از صمیم قلب، گوید «لوحش الله کابین شجر، باج از عمل رعنا سمرقت!»

ای مرغزارها، پرند نیلگون بپوشید! ای کوهسارها، پر نیان هفت-رنگ، بر سر آورید! ای خاکها، بسان ناف آهو، مشک بزاید و ای بیدها، چون پرطوطی برگ بر وید! آفرین بر تو ای باد شمال و مر حبا بر تو ای بوی بهار! ای بادها، بوزید آنسان که گویی مشک سوده، در آستین دارید! ای باغها جلوه گری کنید، آنچنان که گویی لعبتان ساده در کنار دارید! ای نسترنها لؤلؤ سفید بگردن بیفکنید! ای ارغوانها لعل بدخشی در گوشواره کنید! ای گلها، جامهای سرخ شراب بر شاخ بیاورید! ای چنارها، برگهای خود را بسان پنجههای دست مردم فرو بیاورید! ای باغها و ای شاخها، لباس بو قلمون بر تن کنید! ای آبها، رنگ مروارید بخود بگریید و ای ابرها، مروارید بیارید!!!

ای عشاق، ای رهروان طریقت و ای جویندگان حقیقت، از روی سوز و گداز، آتشین آهی بر کشید که دودش دامن صحرا را بگیرد و جهان را جاودانه تاریک سازد! آری، منظره زیبا و دل انگیز طبیعت، از شگفتی بدامن دلپای دانا یان می کشد و جلوه سحر انگیز جهان خلقت، راه دیدگان بینا پیش میگیرد، این نقشهای زیبا و افسونگر، این سقف نیلگون و چراغانی و این جهان پهناور، همه و همه، جلوههایی از آن مه و آوازههایی

از آن شه هستند ، راستی ، ابن همه زینتهای وافر ، که در سراسر گیتی
پدیدار است ، چگونه بی هیچ آرایشگری پدید آمد و این همه نقشهای بدیع
که چشم و دل هر تماشاگری را افسون می کند ، چگونه بی هیچ نقاشی
چیره دست و افسونگر بوجود آمد !

این شاخهای گل ، این لحن و آغانی بلبلان ، این کوهسار رنگین که از
گلپهایی چون لعل بدخشی خود را آراسته و با چادری چون پردیمانی خود را
پوشیده است هر بیننده عاقای را بیاد آن صانع بیچون و بی افکند که هستی
موجودات از بر تو وجود او و جنبش جانداران از و تکاپوی جنبندگان از اثر تو
بیکران اوست .

این بلبلان ، که بر شاخ سرو نشسته اند و بقول خواجه حافظ :
« با گلبنگ پهلوی ، درس مقامات معنوی » می خوانند و از فیض گل ،
این همه سخن آموخته اند و الا اینهمه قول و غزل در متقارشان ، تعبیه
نمیشد ، بخرد دوران نکته سنج می گویند : بیایید که گلپهای آتشین
درخت گل ، شمارا بیاد درخت آتش بسری که موسی را باعجاب افکند (۱)
می اندازد و اگر آشنا و مجرم باشید ، بگوش جان ، از نوای درختان ،
نکته توحید می شنوید ، چه هر نا آشنایی نمی تواند از این پرده رازی
بشود و گوش هر نا جرمی لایق شنیدن پیغام سروش نیست .

راستی ، چه خوش است که انسان با مشاهده مناظر سحر آسای
طبیعت و شنیدن چهچهها و نواهای دل انگیز عنده لبیان و صلصلان ؛ محو
تماشای جمال بیمثال خالق یکتا و استماع نغمه شور انگیز ازلی گردد !
چه منصفانه است که خردمندان بگویند : « هیچ چیز ندیدم جز این که

خدای را پیش از آن وبعد از آن و با آن ، نگریم !» (۱) آری اینجاست که انسان- عارفانه و سرانجام عاشقانه !- دیاری جز دیار معبود و کوی جز کوی معشوق نمی‌پسندد ، آنهم نه بخاطر دیار و نه بخاطر کوی ، بلکه برای صاحب‌دیار و بخاطر صاحب کوی ! مگر نه این است که : بزرگترین راه‌شکر بزم توحید ، نغمهٔ «الهی ما عبدتك خوفاً من نارك ولا طمعاً فی جنتك بل وجدتك اهلاً للعبادة فعبدتك» (۲) ساز کرده و شوریده دلی را چنان وجد و نشاط می‌بخشد ، که بگوید :

از درخویش ، خدا را ، به بهشتم مفرست

که سر کوی تواز کوز و مکان مارابس (۳)
 آئین‌های بزرگ جهان ، با همهٔ اختلافاتی که از لحاظ کم و کیف دارند ، چه می‌خواهند و چه می‌جویند ؟ آیا نه این است که ابراهیم ، زردشت ، موسی ، عیسی و خاتم و سرور آنها محمد ﷺ ، ترانهٔ «وحده لا اله الا هو» را ساز کرده‌اند و انسانهای شوریده‌دل را بوجد و سرور آورده‌اند ؟ !

آن یگانه بت‌شکن قهرمان تاریخ ، آنگاه که خط ابطال ، بر خداوندی ستاره ، ماه و خورشید می‌کشد و مصر و مصریان را دستخوش هیجانی عظیم ، می‌گرداند ، می‌گوید : من بخدایی روی آورده‌ام که آفریدگار این چرخ بلند و این بستر خاک است ، من در دینم استوار و در برابر خدایم تسلیم می‌باشم و مشرک نیستم» (۴)

۱ - مارایت شیئاً الا ورايت الله قبله و معه و بعده .

۲ - از علی (ع) ۳ - شعر از حافظ

۴ - سورة الانعام آیه ۷۹

آن واژگون کننده کاخ ظلم و تفرعن و درهم کوبنده نیروی نوازنده کوس «انار بکم الاعلی» (۱) گفت: «وواقع می شود اگر بقول خداوند خدایت، بدقت گوش داده، بعمل نمودن تمامی اوامر او که امروز بتو امر می فرمایم متوجه شوی که خداوند خدایت ترابر تمامی قبائل زمینی رفیع خواهد گردانیده» (۲) و آن پورمریم بتول، گفت: «خوشا حال پاکدلان، که ایشان خدا را خواهند دید» (۳) و بالاخره آن نگار بمکتب نرفته درس نخوانده، که «بغزه مسئله آموز صد مدرس شد!» اساس و شالوده دعوت خود را در این جمله قرار داد «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» آری ناقوس کلیسا و کنشت، انعکاسی از ترانه های توحیدی موسوی و عیسوی و گائنه های اوستایی، و اکمشی از ایال توحیدی زردشت و بالاخره اذان محمدی، خاموش کننده همه نغمه های کهنه شده توحیدی و تعطیل کننده همه اماکن نیایش و پرستش و دعوت کننده بشر بسوی مسجد، یگانه مرکز عبادت و کانون صفا و صمیمیت و پایگاه صدور فرامین بزرگ جنگ و صلح و محل تعلیم و تربیت است، جایگاهی که بی شک اگر ابراهیم و موسی و عیسی و زردشت زنده بودند، خود با نجا روی می آوردند و پیشاپیش پیروان خود، طوق اطاعت از فرامین محمد را بگردن می افکندند و او را امام و سرور خویش می خواندند، چنانکه از پیش نیز چنین کرده اند.

۱ - سورة النازعات آیه ۲۴

۲ - تورات سفر مثنی فصل ۲۸ آیه یک

۳ - انجیل متی باب پنجم آیه ۸

رمز اختلاف ادیان

اکنون دانستیم که همهٔ ادیان آسمانی در راه توحید ، همگام و هماهنگ هستند و در این راه کلیهٔ مخلوقات و موجودات این جهان - از ذرهٔ بی نهایت کوچک یعنی اتم که قطر آن برابر یک ده میلیونیم میلیمتر است تا بزرگترین ستاره ها و کهکشانها که تنها کهکشان راه شیری (Milkyway) خودمان دارای قطری بطول یکصد هزار سال نوری و منظومهٔ شمسی ما بفاصلهٔ سی هزار سال نوری از مرکز آن قرار گرفته است و یک حرکت وضعی کهکشان مذکور ۲۵۰ میلیون سال نوری طول می کشد ! - بایکتا پرستان و متدینین ادیان آسمانی همصدا هستند نه تنها انسان نماز گزار ، بلکه «هر گیاهی که از زمین روید ، وحده لا شریک له گوید !» قرآن نیز این حقیقت را بیان داشته و تسبیح موجودات را واقعیت بخشیده (۱) و هماهنگی میان فرستادگان خدا را اثبات کرده است (۲) .

پس از چه این همه اختلاف و تشتت آرا و اقوال ، جهانی را در دریای بهت و حیرت فرو برده و آتش تزلزل و اضطراب را در دلها شعله ور ساخته است ؟! مگرد نیای ما از تفرقه و اختلاف ، چه سودی برده است ؟!

۱- «وان من شیء الا یسبح بحمده ولكن لانفقهن تسبیحهم» (سوره الاسراء آیه ۴۴) یعنی هیچ موجودی نیست جز اینکه خدای را بزبان خود حمد و تسبیح می گوید ولی شما تسبیح او را درک نمی کنید .

۲- «کل آمن بالله وملتکنه وکتبه ورسله لانفرق بین احد من رسله» (سوره البقره آیه ۲۸۵) یعنی: هر کدام بخدا و فرشتگان و کتب و فرستادگان خدا ایمان آورده (و می گویند:) میان هیچیک از فرستادگان خدا فرق نمی گذاریم .

مگر نه این است که شعله‌های جنگ و نفاق، در همه جا زبانه می‌زند و بشریت را در وحشت و اضطراب، فرو برده است! ؟ این همه اختلاف از چیست و این همه دودستگی و تفرقه از کجاست! ؟

آیا مذاهب مختلف و مرام و مسلک‌های متضت ، بما چه سودی بخشیده‌اند؟ کاپیتال‌سیم و کمون‌سیم همچون دو بر خونخوار، بایکدیگر دست و پنجه نرم می‌کنند و در زیر ماسک صلحجویی و همزیستی مسالمت-آمیز ، بر سر یکدیگر مشت می‌کوبند! مذهب نیز بانمودهای مختلف خود ، آتش اختلاف را دامن می‌زند! با اینکه همه مذاهب ، از يك خدا نام می‌برند! و خود را ادعای بسوی حق و حقیقت می‌دانند! و بی شك ، حق و حقیقت ، اختلاف‌پذیر نیست - جنگ‌های صلیبی و برادر-کشیمائی که در هندوستان میان هندو و مسلمان رخ می‌دهد و بسیاری از جنگ‌های خونین دیگر انگیزه مذهبی دارد . لکن اگر بکنه دعوی و اختلاف پی ببریم ، می‌بینیم که در حقیقت ، مذاهب بایکدیگر جنگی ندارند ، بخصوص که رهبران مذاهب ، همه نماینده يك خدا هستند و باسانی بایکدیگر در می‌آمیزند و بنا بر این ادیان آنها نیز قابل التیام و آشتی پذیرند . قرآن کریم رمز اختلافات را در پیچ و خم هوی پرستی و خودخواهی برخی از پیروان ادیان ، جستجو کرده است ، آری جاه طلبی و تجاوز آنها از مرز حق و حریم مذهب ، مسبب همه نوع اختلافات و کشمکش‌های مذهبی است . (۱)

۱- ان الدین عند الله الاسلام وما اختلف الذین اتوا الكتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم ومن یکفر بآیات الله فان الله سریع الحساب (سوره آل عمران آیه ۱۹) یعنی : دین نزد خدا اسلام است و آنها بی که بر آنها کتاب ←

اگر ما برنامه‌هایی که انبیا پیمشهاد کرده‌اند و هدفهای قدرتی آنان را مورد بررسی قرار دهیم ، بهتر می‌توانیم در این بررسی کوتاه ، به نتیجه برسیم ، شکی نیست که برنامه پیامبران ایجاد روح تعاون و وحدت کلمه ، در میان جوامع بشری و مبارزه با تجاوز بحریم استقلال و آزادی و حقوق دیگران است و این خود نشان می‌دهد که ادیان نه تنها برای ایجاد مرز در میان جوامع بشری طلوع نکرده‌اند ، بلکه بخاطر درهم شکستن دیوارها و از میان بردن مرزها پدید آمده‌اند ، همچنین اگر هدفهایی را که قرآن کریم برای بعثت انبیا بیان کرده است ، بررسی کنیم ، اعتراف می‌کنیم که مذهب یگانه عامل وحدت و هماهنگی است و این خود یکی از بزرگترین اهداف سفرای الهی را تشکیل می‌دهد . یکجا هدف آنها را تعلیم و تربیت ، می‌داند و چنین وانمود می‌کند که برای همین هدف مقدس و عالی و گرانمایه آنها اموریت یافته‌اند . (۱) بشر پس از قرن‌ها تازه فهمیده است که «پرورش و آموزش» یگانه وسیله ارتقای اوبسوی کمال است و از اینرو بزرگترین و مهمترین

→ نازل شده است پس از حصول علم بمنظور تحصیل ریاست و مقام ، اختلاف کرده‌اند و هر کس بآیات خدا کفر بورزد باید بداند که خداوند در حساب ، سریع است .

۱- هوالذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته ویزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة (سورة الجمعة آیه ۲) یعنی : خداوند کسی است که در میان مردم امی و بی‌سواد پیامبری از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها بخواند و آنها را «پرورش» دهد و آنها را از «آموزش» کتاب و حکمت پر خوردار سازد .

تشکیلات در هر مملکت متمدنی ، باین منظور تأسیس یافته است . در مورد دیگر هدف آنها را مبارزه با ظلم می داند و می گوید : خداوند بر فرستادگان خود کتب آسمانی نازل کرد ، تا در میان مردم ، بعدالت حکم کنند . (۱) بدیهی است که رواج ظلم و توسعه ستمگری و مرک عدالت و دادگری ، ریشه حیات و تمدن انسان ها را می خشکاند و احمیاناً زرق و برق ظاهری و نقش و نگارهای خیابانی و استعمال الفاظ فریبنده و جشن ها و سرورهای می توانند دردی را دوا کنند !

بهر حال ظلم ، برای انسانها ایجادوقفه می کند و از تکامل انسانیت ، جلوگیری میکند و حتی گاهی انسان را قرن ها بعقب برمی گرداند . بطوری که - مثلاً - انسان قرن بیستم ، در چند قرن پیش زندگی می کند و این دردی است بی درمان ! در جای دیگر ، هدف آنان را ریشه کن کردن اختلافات ، می داند (۲) درست کاروان انسانیت ، بوسیله نقلیه ای می ماند که عده ای بطور دستجمعی آن را بجلو می رانند و اگر این عده ، اختلاف کنند و هر کسی آن را بیک طرف ، سوق دهد ، هرگز حرکت

۱- لقد ارسلنا رسلنا بالبینات وانزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط ... (سورة الحديد آیه ۲۵) یعنی ما پیامبران خود را با بینات فرستادیم و با آنها کتاب و میزان (قوانین) نازل ساختیم برای اینکه مردم بعدالت قیام کنند . . .

۲- كان الناس امة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين ومنذرين وانزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه ...

یعنی : مردم امت واحدی بودند پس خداوند پیامبران را بشارت دهنده و ترساننده فرستاد و با آنها کتاب را بحق نازل کرد تا بین مردم درباره آنچه در آن اختلاف کرده اند حکم کند .

نخواهد کرد و دچار وقفه خواهد شد. هرگز نمی‌توان انتظار داشت که از راه اختلاف و آشفتگی، بتوان پیشرفت کرد، جز با هماهنگی و مبارزه با اختلاف و چند دستگی، پیشرفت امکان ندارد. اینجاست که اختلافات بشر سبب میشود که یکبار نور نبوت، از افق غیب، ساطع شود و تیرگی و ظلمتهای اختلاف را برافکنند، تا کایوان انسانیت، در شاهراه تکامل، راه خود را ببیند و دچار وقفه و رکود، نگردد. آری درسایه پیروی از دین و ایمان بخداوند یکتا اختلافات، ریشه کن میشود، جنگ اعصاب، خاتمه می‌یابد. افسانه اختلافات نژادی و مسلکی که موجب جنگهای وحشتناک و ملیونها ترور، گشته است، بخاک نسیان سپرده میشود و درسایه آن بزرگترین آسایش روحی و فکری نصیب انسان میگردد و این خود یکی از بزرگترین هدایای روانی مذهب، خواهد بود.

در حال حاضر، دنیای ما از وحشت و نگرانی آسایش ندارد، مردم دلواپس و حیرت زده، آبانکه همچون پرکاهی که در مسیر تندبادهای حوادث، می‌لغزند و تسلیم محض سوانح حسرت بار، هستند و گاهی تا ساعتها پس از نیمه شب، خواب را بر خود حرام می‌کنند، کی آسایش و راحت دارند؟!

آنها چگونه می‌توانند زندگی عادی و بی‌دغدغه داشته باشند؟! وحشت بمبها و موشکها و جتهای مافوق صوت و سلاحهای مخرب دیگر که همه زاییده اختلاف افکار و سلیقهها و امیال و خواستههای شیطانی است، نه چیزی است که بشود نادیده گرفت! استعمارها و استثمارهایی که با این الفاظ دلفریب، سالها ملت‌هایی را بصورت کالا در اختیار گروهی

مقتدر قرار داده بود و امروز بصورت « نئوکلونی زاسین » (۱) تجلی کرده میلیونها نفر را بیاس و نومیدی و احساس حقارت - یا خورده شخصیت و اعتماد بنفس - و پستی و زبونی مبتلا کرده است! بسا اطفال معصومی که عفریت شوم یتیمی بر سرشان سایه افکنده و راه ترقی و تکامل بر روی آنها بسته شده است! بساز نهای جوان و بی سرپرستی که آواره و بی خانمان شده اند! و بسا شهرهای بزرگی که با خاک یکسان شده و کشورهایی که در کام بیگانگان فرو رفته اند و بسا ...!

اینها همه عواقب شوم بیماری مزمن و طاقت فرسای اختلاف و رواج بیعدالتی است. صنعت و تمدن چیزی جز هرج و مرج و بی بند و باری بوجود نیاورده است. در حالی که چشم جهانیان بملت امریکادوخته شده است که چگونه سرنوشت خود و بالاخره سرنوشت دنیا را بوسیله انتخاب ریاست جمهوری تعیین میکند، بنا بگزارش رویتر (۲): « نزدیک به ۱۵۰۰ تن از همپای های امریکا و رادیکالهای جوان آن کشور

۱- Newcolonization این کلمه بهمنی استعمار نوین است. در

سابق روش استعمارگران این بود که کشوری را بطور کامل منطقه نفوذ خود قرار میدادند و حکومت دست نشانده ای در آن بوجود می آوردند و بر مقتدرات مردم حکومت میکردند، این کار درعین حال پرخرج بود، و درعصر حاضر که عصر بیداری ملت ها است بازار آن از رونق افتاده و دموکراسی بتدریج حتی بقاره سیاه راه پیدا کرده است ولی بجای آن «استعمار نو!» که عبارت از چنگ زدن گرفتن اقتصاد ملت های ضعیف و دادن استقلال ظاهری و آزادی لفظی است و درعین حال کم خرج تر و بی سر و صداتر است، بگرمی رواج یافته است آخرین امتیاز صنعتی و اقتصادی که بآنها می دهند فورم مونتاژ است!

کاندیدای خود را برای پست ریاست جمهوری امریکامعرفی کردند این نامزد ریاست جمهوری يك خوك موسوم به پگاسوس - اسب بالدار - بوده» خبر گزاری مذکور اضافه میکند که: «در جریان تظاهرات این عده لطمه‌ای به نظم و آرامش انتخابات، وارد نیامد پلیس و مأمورین فدرال بحال آماده باش درآمده بودند تا از هر گونه مداخلهٔ همپی‌ها در انتخابات جلوگیری کنند.

همپی‌ها هفتهٔ گذشته اعلام کرده بودند که در انتخابات خرابکاری خواهند کرد و در آب نوشیدنی ماده ال - اس - دی خواهند ریخت، این عده برای نشان دادن مراتب مخالفت خود با انتخابات، شعارهایی حمل می کردند که روی آنها نوشته شده بود که رای ندهید - قی کنید! ضمن این تظاهرات مأمورین سازمانهای حمایت از حیوانات کوشش می کردند که از وارد آمدن صدمه بخوك جلوگیری کنند! «ای کاش مردمی که نسبت به حیوانات اینهمه دلسوز هستند، فکری هم بحال انسانهای ستم دیده و بی نوامی میکردند، منظور از نقل این گزارش، این است که حتی دنیای متمدن قرن بیستم از نظر تعلیم و تربیت دچار کمبود و مضیقه و از نظر بهره برداری از عدالت، دستخوش محرومیت است و چون هیچیک از نهضت‌ها و انقلابها نتوانسته اند این کمبود و محرومیت را از بین ببرند جای آن است که بشر از تعلیم و تربیت انبیا برخوردار شده، با حکام عادلانهٔ آنها تن در دهد و اختلافات مسلکی و نژادی و مذهبی را کنار گذارد، در اینصورت، فرشته سعادت بر سرش بال پر می گشاید و فقرو گرسنگی از کرهٔ خاك رخت بر می بندد.

تنها در جنگ جهانی اول در مدت ۱۵۶۵ روز ۴۰۰ میلیارد دلار صرف سلاحهای جنگی و ۹ میلیون نفر کشته و ۳۲ میلیون نفر عاجز و ۵۵ میلیون نفر مفقود الاثر گردید، در نیمه اول قرن طلایی بیستم شاهد چنین فاجعه عظیمی بودیم ولی بدون اینکه درس عبرتی آموخته باشیم چندسال بعد دست بجنک جهانی عظیمتری زدیم که تنها ۳۰ میلیون نفر کشته داد در سالهای اخیر جنگها و تجاوزاتی که در کره، ویتنام، کشمیر، خاورمیانه غربی، الجزایر، رودزیا و چکسلواکی رخ داده چشمگیر بوده است، هنوز هم مسابقه تسلیحاتی شرق و غرب، ادامه دارد کره زمین وضع يك انبار باروت پیدا کرده است که هر آن بایک حرقه بیم انفجار دارد در حالی که با بودجهها و انرژیهای که در جنگ های بزرگ و کوچک مصرف شده و میشود، می توان هزاران آموزشگاه، دانشگاه، پرورشگاه، درمانگاه و کارگاه را بوجود آورد و همرا با رونق و آباد ساخت. بازوان توانا و مغزهای اندیشنده ای که در میدانهای نبرد، از کار می افتند و بالاخره می بوسند و امیدها و آرزوهای آنها نیز سرانجام با آنها در زیر خاک دفن میشود، ممکن است در محیط وحدت و عدم اختلاف و کشمکشهای سیاسی و اقتصادی جهانی رارونق و صفا بخشند!

ولی متأسفانه اختلاف به یکباره میلیونها نفر را بخاک هلاک می- افکند و میلیاردها دلار را که با کدیه بین و عرق جبین گردآوری شده است با آتش سوزان و خاکستر سرد تبدیل می کنند! اف بر تو باد ای اختلاف!
و نفرین بر شما ای کسانی که دنیای ما را با شوب کشانیده اید و بدر اختلاف و برادر کشی را کاشته اید!

همآهنگی ادیان

اکنون بیش از هر چیز هدف مقاله ما این است که خواننده گرامی را متوجه موضوعی بسیار مهم و اساسی نماییم و آن اینست که تنها ادیان بایکدیگر اختلافی ندارند و آتش اختلافات را دامن نمی‌زنند، بلکه با يك مطالعه اجمالی روشن میشود که کلیه ادیان بایکدیگر خویشی نزدیک و پیوندی ناگسستنی و هماهنگی جاودانی دارند، دلیل آن هم روشن است چه منشأ همه ادیان و سرچشمه اصلی آنها بارگاه خداوندی است. همه پیامبران خود را سفیر پادشاه مطلق جهان و نماینده آفریدگار انسان معرفی کرده‌اند در حقیقت ادیان حقه آسمانی هر کدام بمنزله حلقه‌ای از زنجیر دیانت هستند که از یکسو بمقابل خود و از سوی دیگر بما بعد خود ارتباط دارند. همانطوری که از آغاز زنجیر بزرگ هستی بی‌خبریم باید اعتراف کنیم که از آغاز این زنجیر بزرگ نیز بی‌خبریم چه دین ملازم زندگی انسان است و بنا بر این هر گز از یکدیگر جدا نشده‌اند.

در این باره بهتر این است که بجای اینکه عقب‌گرد کنیم و مدعای خود را از راه بررسی کتب دینی قدیم اثبات کنیم، فعلا را را نزدیک کرده، بررسی خود را از قرآن آغاز کنیم. تا معلوم شود که این میوه رسیده درخت دیانت و این کتاب مقدسی که نور خود را به اعماق ابدیت می‌فرستد و حجاب‌های زمان و مکان را پاره می‌سازد، چه گفته است و خود را بچه‌اساسی متکی می‌داند.

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که این همبستگی را با صراحت کامل اثبات می‌کند و نشان می‌دهد که بعثت پیامبر عالیقدر اسلام مورد انتظار و توجه پیروان ادیان پیشین بوده، پیامبران بعثت را بشارت داده.

اند و کتبی که در دست آنها بوده است باین موضوع تصریح داشته‌اند در سوره اعراف آیه ۱۵۷ چنین آمده است : « الذين يتبعون الرسول النبی الامی الذي یجدونه مکتوباً عندهم فی التوراة والانجیل بأمرهم بالمعروف وینہیهم عن المنکر ویحل لهم الطیبات ویحرم علیهم الخبائث ویرضعون عنہم اصروہم والاعلال التي كانت علیہم فالذین آمنوا به وعزروه ونصروه واتبعوا النور الذي انزل معہ اولئک هم المفلحون » این آیه در وصف مردمی است که تقوی و زکوة دادن و ایمان از مشخصات آنهاست و آیه پیش از آن باین موضوع تصریح دارد، (۱) مفهوم آیه این است که؛ آنها کسانی هستند که از پیامبر امی اسلام که در تورات و انجیل، مشخصات او نوشته شده است، پیروی میکنند. سپس بکارهای برجسته او اشاره میکنند و می‌گویند : پیایبر اسلام ، آنها را به نیکی فرمان می‌دهد و از بدی نهی می‌کند و چیزهای پاکیزه را برای آنها حلال و چیزهای پلید را بر آنها حرام می‌سازد و بارهای سنگین و زنجیرهای اسارت را از آنها برمی‌دارد . آنان که باو ایمان آورده اند و او را تعظیم و یاری کرده و از فرآنی که همچون نور بر قلب او تابیده است پیروی کرده‌اند ، رستگار و سعادت‌مند می‌باشند . در دو مورد از قرآن کریم ، این جمله تکرار شده است :

«الذین آتیناهم الکتاب یعرفونه کما یعرفون ابنائهم» (البقره

۱- ورحمتی وسعت کل شیء فساکنیها للذین یتقون ویؤتون الزکوة والذین هم بآیاتنا یؤمنون» یعنی رحمت من همه چیز را فرا گرفته است و بزودی آنرا برای مردمی که پرهیز کارند و زکوة می‌دهند و آنا نکه بآیات ما ایمان دارند ، خواهم نوشت .

آیه ۱۴۶ و الانعام آیه ۲۰) و منظور این است که اهل کتاب یعنی یهودیان و مسیحیان ، همانطوری که فرزندان خود را می شناسند ، پیامبر را نیز می شناسند و هیچگونه شك و تردیدی درباره او ندارند دريك مورد بدنبال جمله فوق گفته شده است: «وان فریقامنهم لیکنتمون الحق وهم یعلمون» (البقره - ۱۴۶) یعنی گروهی از اهل کتاب حق را با علم و آگاهی پنهان میکنند و درهورد دیگر بدنبال جمله مذکور ، این جمله آمده است : «الذین خسروا انفسهم فهم لایؤمنون» (الانعام آیه ۲۰) یعنی آنان خود رازیانکار ساخته و بنابراین دارای ایمان نیستند. همچنین در سوره صف می فرماید :

«واذ قال عیسی بن مریم یا بنی اسرائیل انی رسول الله الیکم مصدقا لما بین یدی من التوراة و مبشراً برسول یأتی من بعدی اسمہ احمد» (الصف آیه ۶) یعنی عیسی بن مریم گفت : ای بنی اسرائیل ، من از جانب خداوند بسوی شما فرستاده شده ام و تورات را تصدیق می کنم و بشارت می دهم که پس از من پیامبری خواهد آمد که نام او «احمد» است .

این آیات با کمال صراحت ، دلالت می کنند بر اینکه پیامبر اسلام قبل از بعثتش و حتی قرنها قبل از ظهورش بوسیله تورات و انجیل بوجودش بشارت داده شده است و پیروان تورات و انجیل ، او را همچون فرزندان خود می شناسند. نکته دیگری که بطور وضوح ، می توان از آیات استفاده کرد این است که هر پیامبری ضمن اینکه بآمدن پیامبر بعدی بشارت داده است ، پیامبر پیشین را تصدیق و کتابش را محترم شمرده است ، پیامبر عالیقدر اسلام نیز چنین بوده است، یعنی پیامبران پیشین را مورد احترام قرار می دهد . لکن خود را خاتم، معرفی کرده است،

بنابراین مبشر آمدن پیامبر بعدی نیست . قرآن کریم می گوید :

«لَا نَفْرَقَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ» یعنی میان پیامبران خدا فرقی نمیگذاریم (سوره البقره آیه ۲۸۵) . همچنین می فرماید : «وَوَقَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِمْ بِعِيسَىٰ بْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ» یعنی بعد از پیامبران عیسی بن مریم را فرستادیم که مصدق تورات بود و انجیل را باو دادیم که در آن هدایت و نوری است و مصدق تورات است که پیش از آن برده است و برای پرهیزکاران هدایت و پندی است (المائده آیه ۴۶) سپس می فرماید : «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ . . .» (المائده آیه ۴۸) یعنی ماقرآن را بحق بر تو نازل کرده ایم که مصدق کتب الهائی است که پیش از آن بوده است . مقاد این آیات این است که انجیل مصدق تورات است و همچون نوری است که گمگشتگان را براه راست هدایت می کند . قرآن کریم در ضمن این آیات هم تورات و هم انجیل را مدح و آنها را وحی خدا و آورندگان آنها را فرستاده خدا معرفی کرده است .

اگر چه ما در حال حاضر تورات و انجیل اصلی را در دسترس نداریم و آنچه فعلا بنام تورات و انجیل ، در دست است ، مطالبی است که بعد از موسی و عیسی (ص) نوشته شده است ، لکن همین تورات و انجیل معمول نیز بشارات و اشاراتی دارند که ظهور پیامبر اسلام را وعده میدهند و با بررسی دقیق کلیه مطالبی که در تورات و انجیل است ، شاید شکی برای انسان باقی نماند که پیامبر موعود تورات و انجیل همان محمد بن عبدالله (ص) است و بنابراین مسیحیان و یهودیان جز ایمان بر رسالت حضرت محمد (ص) آنها با تکلیف کتب خویش هیچ راهی ندارند .

۱- تورات و بشارات آن

قبلا ذکر این نکته لازم است که بنا بر نقل فرید و جدی در دایرة المعارف ، از دایرة المعارف لاروس ، تورات ، کتاب موسی نیست ، بلکه بعدها نوشته شده است ، البته غیر از تورات معمولی تورات دیگری بنام «تورات سامره» وجود دارد . تورات کنونی مشتمل است بر پنج سفر که عبارتند از: سفر تکوین ، سفر خروج ، سفر لاویان ، سفر اعداد و سفر مثنی و دوازده کتاب بعنوان مکتوبات مورخان و هفده کتاب بعنوان مکتوبات پیغمبران .

۱- در سفر تکوین فصل ۱۷ پس از بیان داستان ابراهیم و سارا و هاجر و دستوراتی راجع به ختنه و... در آیه ۲۰، طلبی ذکر شده است که میان اصل عبری و ترجمه‌های مختلف آن، اختلاف است. اینک عبری آن و سپس برخی از ترجمه‌ها را نقل می‌کنیم: «ویشماعل شمعتیخا ، هینه بیرختی اوتو و هفرتی اوتو و هیربتی اوتو بمؤد بمؤد شمعا سارنم بؤلدوان تینواغوی کادل» در ترجمه فارسی چاپ لندن می‌نویسد: «و در حق اسماعیل ترا شنیدیم اینک او را برکت داده‌ام و او را بارور گردانیده بغایت زیاد خواهم نمود و دوازده سرور تولید خواهد نمود و او را امت عظیمی خواهم نمود» در این ترجمه ، کلمه «مؤد مؤد» که خیلی شبیه بنام «محمد» است و هیچ بعید نیست که منظور همین نام مبارک باشد ، حذف شده است ، چون هزینه طبع کتاب ، بعهده مسیحیان بوده است ، بعید نیست که بخاطر رضایت آنان حذف شده است ، چه هدف از ترجمه و طبع آن تبلیغ آیین مسیحیت و مبارزه با اسلام بوده

است، در ترجمه عربی می نویسد: «واما اسماعیل فقد سمعت لك فيهها انا بار كه واكثره كثيرا جدا اثناعشر رئيساً يلدوا جعله امة كثيرة» در اینجا نیز کلمه «مؤد مؤد» از تلم متر جم افتاده است، متأسفانه ترجمه های انگلیسی و فرانسوی و غیره در دسترس نگارنده نیست تا مورد بررسی و مطالعه قرار دهد.

۲ - در سفر مثنی فصل ۱۸ آیه ۱۵ تا ۱۷ گوید: «خداوند خدایت از میان شما از برادرانت پیغمبری را مثل من مبعوث گرداند او را بشنوید... از برای ایشان پیغمبری را مثل تو از میان برادران ایشان مبعوث خواهم کرد و کلام خود را بدشانس خواهم گذاشت تا هر آنچه با او امر میفرمایم بایشان برسانند» در تورات معمول است که هر جا نامی از نسل ابراهیم از غیر سلسله بنی اسرائیل بمیان آید، به برادران بنی اسرائیل تعبیر شود مثلاً درباره اولاد عیسو برادر یعقوب گوید: (سفر تثنیه فصل ۲ آیه ۲) «و خدای را خطاب کرده گفت که احاطه نمودن شما این کوه را کافی است، بطرف شمال برگردید و قوم را امر فرموده، ایشان را بگو که شما به سرحد برادران خود بنی عیسو که در سیمیر ساکنند راه گذرید که ایشان از شما می ترسند پس بسیار احتیاط نمایید تا ایشان را نینگیزانید زیرا که از ملک ایشان بقدر يك كف يا به شما نمی دهم بسبب آنکه کوه سیمیر را بعیسو بطریق ارثیت داده ام» تردیدی نیست که از بنی عیسو کسی به نم-وت نرسیده است، بنابراین منظور از برادران بنی اسرائیل، نسل حضرت اسماعیل است.

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

۳- در سفر تثنیه باب ۳۳ آیه ۲ گوید: «خداوند از سینی (سینا) بر آمد و از سیمیر بر ایشان تجلی کرد و از کوه باران درخشانده شد و با

هزار هزاران مقدسان ورود نمود و از دست راستش بایشان شریعتی آتشین رسید .

سینی همان سیناست و در آنجا برهوسی و در سیعیر بر عیسی و در فاران (باران) که همان ناحیه مکّه است بر حضرت محمد وحی شد و شریعت آتشین ، اسلام است .

۴- در سفر تکوین باب ۲۱ آیه ۱۳ و ۱۲ گوید: «و خدا با براهیم گفت بجهت این جوان و کنیز کت در نظرت ناخوش نیاید هر چه ساراه بتو گفته باشد قولش را استماع نما زیرا که ذریهٔ تو از اسحق خوانده میشود و از پسر کنیزت نیز امّتی خواهم گردانید زیرا که از نسل تست و در آیه ۱۷ و ۱۸ همین فصل گوید: «و خداوند آواز پسر را شنید و ملک خدا هاجر را از آسمان آورداده باو گفت که ای هاجر ترا چه واقع شد مترس زیرا که خدا آواز پسر را در جای بودنش شنیده است .

بر خیز و پسر را بردار و بدستت او را بگیر زیرا که او را امت عظیمی خواهم نمود».

۵- در کتاب اشعیا آیه یک تا چهار گوید «اینک بندهٔ من که او را تکیه میدهم و بر گزیدهٔ من که جانم از او راضی است، روح خود را بر او می افکنم تا از برای طوایف حکم را صادر سازد . فریاد نکرده و آواز خود را بلند ننموده ، آنرا در کوچه ها مسموع نخواهد کرد . نی شکاف شده را نخواهد شکست و فتیلهٔ بی نور را منطقی نخواهد ساخت، تا حکم بر استی صادر گرداند ، غفلت نکرده ، تعجیل نخواهد نمود تا آنکه حکم را بر زمین قرار دهد و جزایر منتظر شریعتش باشند» .

در آیه ۹ همان فصل گوید : «اینک واقعات نخستین بوجود آمدند و

کتاب اشعیا
فصل اول
آیه ۱ تا ۴

من حوادث جدیدی که هنوز بعرضه ظهور نیامده اند بیان کرده ، مسموع شامی گردانم ، ای هموطن کنندگان بد یا و مملویش وای جزایر و ساکنان آنها بخداوند سرود جدید و ستایش وی را از اقصای زمین بسر آید . بیابان و شهرهایش و قریه های مسکون قیدار ، آواز خود را بلند سازند و متمکنان در صخره ترنم نموده ، از سر کوهها گلپانگ زنند ، وصف عظمت بخداوند نموده ، حمد او را در جزایر آشکار نمایند ، خداوند مثل صاحب شجاعت ، بیرون می آید و مانند مرد جنگی غیرت خود را بحرکت آورده ، خروش نموده نعره خواهد زد و بر دشمنان خود غالب خواهد شد مدتی خاموش و ساکت بوده ، خود را ضبط کردم . اکنون مثل زن زاینده فریاد میکنم و یکبار دم زده ، نفس می کشم . کوه و گریوه ها را خراب کرده و همگی گیاهانش را خشک می سازم ...

در حضور ایشان ظلمت را بنور و کجی هارا بر راستی مبدل خواهم ساخت ، از برای ایشان این چیزها را عمل نموده . ایشان را ترك نخواهم نمود ...» همچنین در فصل دوم آیه ۲ به بعد گوید:

«در ایام آخرین واقع میشود که کوه خانه خداوند بسر کوهها برقرار و بر ملتهار فیعتر خواهد شد و تمامی طوایف بسوی آن روان خواهند شد و قوه های بی شمار روانه شده ، خواهند گفت که بیایید تا بکوه خداوند بخانه خدای یعقوب بر آییم که اورا هایش : اما نموه ، در طریاق او گردش نمایم» اگر چه این قسمت را باورشلیم و یهود تفسیر کرده اند ولی ظاهر این است که در باره کعبه و اسلام است ، بدلیل اینکه وعده ای است برای «ایام آخرین» و اورشلیم برای «ایام اولین» بوده است . در فصل ۴۲ همان کتاب آیه يك گوید: «ایک بنده من که اورا تکبیه می دهم و بر گزیده من که جانم

از او راضی است روح خود را بر او می افکنم تا از برای طوایف حکم را صادر سازد» و نیز در فصل ۲۸ آیه ۲ به بعد گوید: «اینک از جانب خداوند، ذی قوت و شجاعتی موجود است که او چون شورش تگرگ و تند باد مهلك و مانند سیلابهای پر زور لبریز، آن را بدست زمین می اندازد... و در آن روز خداوند لشکرها برای باقیمانده قوم خود تاج عزت و اکلیل زینت خواهد بود و هم روح حکم برای جالسان در محکمه و نیز قوت کسانی که جنگ را تا بدروازه دفع می نمایند... پس کلام خداوند بایشان فرمان بالایی فرمان و قانون فوق قانون، قانون فوق قانون، اینجا اندک و آنجا اندک خواهد بود» اشاره بقوانین قرآن است که اندک اندک، در موارد مختلف ذکر شده است و در فصل بازدهم آیه ۶ گوید: «و تگرگ بابر سکونت داشته، ببر با بزغاله و هم گوساله و پروارها با شیر جوان همخوابه خواهند شد و طفل کوچک راعی ایشان خواهد بود».

۶- یکی از بخشهای تورات مزامیر یازبور حضرت داود است، در مزمو ۹۶ آیه ۱۰ تا ۱۳ گوید: «در میان طوایف بگوید که خداوند سلطنت می نماید. بدرستی که جهان بحدی استوار شده است که متحرک نخواهد شد، اقوام را برستی حکم خواهد نمود، آسمانها شادمان و زمین مسرور شود. دریا و برش بخروشد و صحرا و هر چه که در آن است بوجد آیند، آنگاه تمام درختان جنگل به ترنم، خواهند آمد در حضور خداوند. زیرا که می آید، یعنی جهت حکومت زمین می آید. جهان را بصدق و اقوام را بوفای خود حکم خواهد نمود».

این مطالب آیه: «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق

لیظهره علی الدین کله» را که در سه سوره از قرآن کریم تکرار

شده است ، بیاد انسان می آورد و مفاد آن این است که خداوند پیامبر خود را به هدایت و دین حق فرستاد ، تا او را بر همه ادیان غالب سازد (سوره التوبه - ۳۳ سوره الفتح - ۲۸ سوره الصف ۹) در عین حال همانطوری که آیه شریفه از بشارات ظهور مهدی موعود می باشد ، عبارات زبور نیز می تواند چنین باشد . چنانکه آیه ۲ از مزمور ۹۷ نیز همینطور است : « ابرها و ظلمت در اطرافش می باشند . عدل و انصاف مکان تخت اوست آتش در حضورش روان است و دشمنانش را از اطرافش می سوزاند . بر قهایش جهان را منور می سازد ، زمین می بیند و می لرزد . آسمانها عدالت او را آشکار می سازند و تمامی اقوام جلالش را می بینند . آیه ۹۰۸ از مزمور ۹۸ نیز می گوید : « نهرها کف دست زنند و کوهها به همدیگر ترنم نمایند در حضور خداوند . زیرا که بجهت حکم نمودن زمین می آید . جهان را بعدالت و اقوام را براستی حکم خواهد نمود » این جمله بیاد آورنده فرمایش امیرالمؤمنین علی (ع) به فرزند گرامیش حسین (ع) است : *شکوه علم انانی و مطالعات فریجی*

«التاسع من ولدك يا حسين هو القائم بالحق والمظهر للمدين

ولكن بعد غيبة وحيرة» یعنی نمی از فرزندان توای حسین ، قائم بحق و آشکار کننده دین و گسترش دهنده عدل و داد است ، لکن پس از غیبت او و سرگردانی مردم (المهدی ص ۹۵) .

در مزمور ۹۵ آیه یک به بعد گوید : «دل من سخن نیکورا جاری می نماید . افعال را بملك عرضه می دارم . زبانم قلم زود نویسنده است ، از فرزندان آدم زیباتری . بلاغت بلبهای تو ریخته است . چون که خدا ترا ابدآبرکت داده است .

ای پهلوان، شمشیرت را که جلال و جاه تست بکمرت ببند و با عظمت خود بر خوردار شده، سوار شو، بسبب حقیقت و حلم و عدالت که دست راست تو چیزهای مهیبر ابتو نشان می دهد. تیرهای تو بر قومهایی که از دل دشمن ملکند تا آنکه در زیر تو افتاده شوند تیز است».

در زمزمور ۷۲ آیه یک به بعد گوید: «ای خدا! حکام خود را بملک و عدالت خود را بملک زاده عطا فرما، تا آنکه قوم ترا بعدالت و فقرای ترا بانصاف حکم نمایند بقوم کوهها سلامت و گریوه ها عدالت برسانند. فقیران قوم را حکم نماید و پسران مسکینان را نجات دهد و ظالم را بشکند... در روزهایش صدیقان شکوفه خواهند نمود و زیادتی سلامتی تا باقی ماندن ماه خواهد بود، از دریای تا بدریا و از نهر تا باقصای زمین سلطنت خواهد نمود... بلکه تمامی ملوک باو کرنش خواهند نمود و تمامی امم او را بندگی خواهند کرد».

۷- یکی دیگر از بخشهای تورات کنونی، کتاب حبقوق نبی است. در فصل سوم کتاب مذکور آیه دوه بعد گوید: «ای خداوند سخنت را شنیده ترسیدم. ای خداوند، در میان سالها عملت را احیا کن، در میان سالها معروف ساز، حین غضب رحمتت را بخاطر دار، خدا از تیمان و قدوس از کوه پاران آمد. **سلا! جلالش آسمانها را استور کرد** و زبن از حمدش پر شد و ضیایش مثل نور بود. پر توها از دستش نمایان و استتار قوتش در آنها می بود».

۸- یکی دیگر از ضمیمه های تورات کتاب ملاکی نبی است. در فصل سوم آیه یک به بعد گوید: «اینک رسول خود را خواهم فرستاد و او در برابرم را مرا آماده خواهد ساخت و خداوندی که متفحصید یعنی رسول عهدی که

از او مبتهجد بنا گهان بهیكلش خواهد آمد . خداوند لشكر هامیفرماید كه اینك می آیدو کیست كه روزورودش را متحمل تواند شد و حین ظهورش کیست كه بایستد زیرا كه او مثل آتش قالگرو مانند صابون گزران است «و نیز در فصل چهارم آیه ۲: به بعد گوید: «اما برای شما كه از اسام خشیت می ورزید **آفتاب صداقت (عدالت) و علاج** در پر تو هایش طلوع خواهد نمود و شما بیرون آمده مانند گوساله های ، از آخور جست و خیز خواهید كرد و شیران را پایمال خواهید كرد .

زیرا خداوند لشكرهای فرماید در روزی كه این را بجای می آورم ایشان در زیر كف پاهای شما خاكستر خواهند شد تورات بنده من موسی را بخاطر آوردید كه آن را با فرایض و احكامش بجهت تمامی اسرائیل در حوریب با و ما مورد اشتم اینك من به شما پیش از ورود روز عظیم و مهمیب خداوند **ایلیاه پیغمبر** را خواهم فرستاد و اول پدران را به پسران و قلب پسران را به پدران مایل خواهد گردانید مبادا كه آمده زمین را بلعنتی بزنام « این مطالب یکی دیگر از بشارات قرآنی را بخاطر می آورد: **«و نریدان نهن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم اوارثین»** (القصص آیه ۵) یعنی و اراده کرده ایم كه بر کسانی كه در زمین ضعیف شده اند منت گذاریم و آنها را پیشوایان مردم و وارث زمین گردانیم «

۹- یکی دیگر از بخشهای تورات ، كتاب میکاه نبی است . در فصل چهارم آیه ۳ به بعد گوید : «او در میان خلائق بسیار حكومت نموده قومه های بی شماری را از دور متنبه خواهد ساخت و ایشان شمشیرهای خود را بگاو آهن و نیزه های خودشان را بآره تبدیل کرده ، قوم بقوم شمشیر نكشیده ، باردیگر جنگ را نخواهند آموخت .»

۱۰- مرحوم فخر الاسلام در جلد دوم صفحه ۱۹۵۴ کتاب انیس الاعلام گوید: کشیش اوسکان کتاب اشعبارا ترجمه کرده است. در آنجا از زبان اشعیا نقل می کند که: «تسبیح کند خدارا تسبیح جدید و اثر سلطنت او بعد از اوست واسم او احمد است».

۱۱- کتاب دانیال نبی که یکی از بخشهای تورات است در فصل دوازدهم آیه ۱۰ به بعد گوید: «در آن وقت سرور بزرگ میکائیلی که از جانب پسران قومت قائم است خواهد ایستاد و زمان تنگنابی که از بودن طوایف تا باین زمان نبوده است واقع خواهد شد و در آن زمان قوم توهر کسی که در کتاب مکتوب یافت شده است نجات خواهد یافت و از خوابندگان در خاک زمین بسیاری بیدار خواهند شد بعضی جهت حیات ابدی و بعضی از برای شرمساری و حقارت ابدی...»

این قسمت مطالبی را که از احادیث اسلامی درباره رجعت گروهی از مردم بسوی دنیا در دوره حکومت حقه حضرت قائم (ع) استنباط میشود، بیاد می آورد و آیه یازدهم از سوره مؤمن در قرآن کریم اشاره بر رجعت است: «قالوا ربنا انتمننا و احییتنا انتمننا» یعنی پروردگارا ما را دوبار زنده گردانیدی!

۱۲- یکی از کتب انبیای بنی اسرائیل که مناسهانه ضمیمه تورات نیست و حتی دست یافتن بآن نیز دشوار است، کتابی است بنام «وحی کودک» این کتاب بوسیله یکی از یهودیان که مسلمان شده، بفارسی ترجمه شده است و غیر از این ترجمه از آن کتاب چیزی در دسترس ما نیست، در فراز سه و چهار آن کتاب گوید: «ای خاک عقیم کعبه رحم خود را برای پرورش مولودی عظیم آماده ساز...» آنگاه درباره آن

مولود عظیم گوید: «برود و بپرد» و این جمله اشاره است بآیه شریفه‌ای که داستان معراج پیامبر اسلام و پرواز او در آسمانها را شرح می‌دهد: «**بِحِجَانِ الَّذِي اسْرَىٰ بَعْبُدِهِ لِيَلَامَنَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ**» (سوره اسراء آیه یک) یعنی منزله است خدایی که شبی بنده خود را از مسجد الحرام تا مسجد الاقصی که اطراف آن را مبارك ساخته‌ایم، سیر داد تا آیات خود را با و نشان دهیم، او شنوا و بیناست، و نیز گوید: «در ننگ نمود ماه‌وازمیان دو پاره شد و اطاعت نمود آن حضرت را و بهم پیوست» اشاره باین آیه است: «**اقتربت الساعة و انشق القمر**» (سوره انشقاق آیه یک) یعنی قیامت نزدیک شد و ماه شکاف برداشت.

۲ - انجیل و بشارات آن

اناجیل بعقیده مسیحیان چهار تاست **مرقس، متی، لوقا و یوحنا** انجیل متی سی سال بعد از عیسی، در اورشلیم بزبان عبری نوشته شد در سال ۶۶ میلادی انجیل مرقس بزبان یونانی و پس از آن انجیل لوقا و در سال ۹۳ میلادی انجیل یوحنا نوشته شد. محمد فرید وجدی در دائره‌المعارف از هفت انجیل دیگر نام می‌برد: انجیل میلاد مریم و طفولیت مسیح، منسوب به متی. انجیل لوقا اسرائیلی. انجیل جاک اصغر. انجیل نیکو دیم. انجیل طفولیت. انجیل مرسیون. انجیل برنابا. در مقدمه انجیل برنابا از ۲۴ انجیل و ۲۲ نامه و رساله دیگر نام می‌برد و می‌گوید: کلیسا برای جلوگیری از تفرقه، اناجیل را غیر رسمی اعلام کرد، صاحب انیس‌الاعلام در جلد دوم صفحه ۱۹۵ به یک انجیل خطی مربوط به پرستانها اشاره کرده است و مدعی است که در آنجا

بصراحت از پیامبر اسلام یاد شده است . همچنین صاحب اکسیمو هوو به ۷۷ انجیل اشاره میکند و در مقدمه دائرة المعارف انگلیسی به ۲۵ انجیل اشاره شده است .

از مجموع این گفته ها چنین نتیجه می گیریم که انجیل های فراوانی در دسترس مسیحیان بوده است . انجیل برنابا در میان اناجیل منسوب به عیسی حائز اهمیت است ، لکن ظاهراً بواسطه مخالفت پولس مسیحی با وی در قرون نخستین انجیلش مطرود شناخته شده است ، اگر چه او از شاگردان و حواریین عیسی است . تعلیمات این انجیل از لحاظ توحید و مصلوب نشدن عیسی و منحصر بودن راه نجات ، در عقیده و عمل با تعلیمات اناجیل دیگر که مورد امضای پولس و پیروان او بوده است مخالف است بهمین جهت پاپ جلاسیوس که در ۴۹۲ میلادی برهبری مسیحیان رسیده است این انجیل را مطرود شناخت .

پس از ظهور اسلام عامل دیگری بطرد این انجیل کمک کرد و آن بشارات صریح آن در مورد پیامبر بزرگ اسلام است . بالاخره در قرن ۱۷ میلادی و سالهای بعد نسخه هایی از آن بزبان های یونانی و اسپانیولی و ایتالیائی بدست آمد ، سرانجام انجیل مذکور به انگلیسی و سپس عبری و بالاخره بزبان فارسی ترجمه شد و در دسترس مردم قرار گرفت . این انجیل اکنون هم مطرود کلیسا است . تا آنجا که آن را محصول و آفریده افکار مسلمانان می دانند و دلیل آن ادعا بر همگان روشن است . اکنون ما بیشتر بشارات را از اناجیل مورد قبول کلیسا نقل می کنیم و سپس قسمتی هم از بشارات انجیل برنابا :

۱- انجیل یوحنا باب ۱۶ آیه ۵ به بعد : « لکن حالا به نزد آن کسی

که مرا فرستاده است می روم و هیچکس از شما مرا نمی پرسد که تو کجا می روی . بلکه از آنجا که این چیزها را به شما گفتم ؛ اندوه دل شمارا پر کرده است ، لکن به شماراست می گویم که شمارا مفید است که من بروم که اگر من نروم آن تسلی دهنده (فارقلیط) به نزد شما نخواهد آمد . اما اگر بروم او را به نزد شما خواهم فرستاد و او چون بیاید جهانیان را بگناه و صدق و انصاف ملزم خواهد ساخت . بگناه ، زیرا که بر من ایمان نمی آرند . بصدق ، زیرا که به نزد پدر خود می روم و شما مرا دیگر نمی بینید . بانصاف ؛ زیرا که بر رئیس این جهان حکم جاری شده است و دیگر چیزهای بسیار دارم که بشما بگویم لکن حالا نمی توانید متحمل شد ، اما چون او یعنی روح راستی بیاید او شمارا بتمامی راستی ارشاد خواهد نمود زیرا که او از پیش خود سخن نخواهد گفت بلکه هر آنچه می شنود خواهد گفت و شمارا بآینده خبر خواهد داد و او مرا جلال خواهد داد زیرا که او آنچه را از آن من است خواهد یافت و شمارا خبر خواهد داد» و نیز در باب ۱۴ آیه ۱۴ به بعد گوید : « اگر شما مرا دیدید احکام مرا نگاه دارید و من از پدر خواهم خواست و او تسلی دهنده به شما خواهد داد که تا باید با شما خواهد ماند روح راستی (فارقلیط) که او را جهان نمی تواند پذیرفت زیرا که او را نمی شناسد و نمی بیند ، اما شما او را می شناسید زیرا که بنزد شما می ماند و در شما خواهد بود» و نیز در باب ۱۵ آیه ۲۲ به بعد گوید : « و چون آن تسلی دهنده بیاید که من از جانب پدر به شما خواهم فرستاد یعنی روح راستی که از طرف پدر می آید و او درباره من شهادت خواهد داد و شما نیز شهادت خواهید داد زیرا که از آغاز شما با من بوده اید» در باب اول درباره کاهنانی که نزد یحیی رفته بودند تا از او

بپرسند که او مسیح یانہی یا ایلیاست ، چنین گوید : «چون یہود کاہنان
 ولوئیان را از اورشلیم فرستادند تا از او پرسند کہ تو کیستی . اقرار
 کرد و انکار نکرد بلکہ فاش کرد کہ من مسیح نیستم . پس برسیدند از
 او کہ چگونہ است آیاتو ایلیاہ ہستی ؟ گفت نیستم گفتند : آیاتو آن
 پیغمبر ہستی بپاسخ گفت : نہ ، پس گفتند باو کہ تو کیستی کہ بآنان
 کہ ما را فرستادند جواب بدہیم و تودر حق خود چہ می گویی ؟ گفت : من
 آواز آن کس ہستم کہ در بیابان فریادمیکند کہ راہ خداوند را درست
 کنید چنانچہ اشعیاہ پیغمبر گفته است و آن کسانی کہ فرستادہ شدہ بودند ،
 از فریسیان بودند . پرسیدند از او و گفتند : کہ ہر گاہ تو مسیح نیستی
 و ایلیاہ و آن پیغمبر نیستی پس چرا غسل می دهی ؟ یحیی بایشان در جواب
 گفت کہ : من بآب غسل می دہم . اما شخصی در میان شما ایستادہ است
 کہ شما اورا نمی شناسید ، همان است کہ پس از من می آید و پیش از من
 است و من شایستہ آن نیستم کہ در وال نعلینش را باز کنم ، (آیہ ۱۹ تا ۲۷)
 این آیات صریح است در اینکہ یہود ہم انتظار مسیح را داشتہ اند و ہم
 انتظار یک پیغمبر و ہم انتظار ایلیاہ ، در بشارت تورات نیز نام ایلیاہ ذکر
 شد ، بعضی ہم ایلیاہ را حضرت علی (ع) دانستہ اند ، از مطالعہ
 مطالب این انجیل ، روشن میشود کہ مردم انتظار پیغمبری داشتہ اند
 کہ بر آنها حکومت کند ، مثلاً در باب ششم آیہ ۱۴ گوید : «آن مردم
 چون معجزہ را کہ عیسی نمود دیدند گفتند بتحقیق همان است آن پیغمبر
 کہ لازم بود بجهان بیاید ، عیسی دریافت کہ خواہند آمد و اورا خواہند
 گرفت تا اورا پادشاہ سازند پس باز بہ تنہایی بکوهی رفت » همچنین در
 آیہ ۴۰ ہمین باب گوید : «وبسیاری از آن جماعت ، سخنش را شنیدہ گفتند

که بدرستی که این همان پیغمبر است و بعضی گفتند که این مسیح است»
 بقدری مطالب انجیل در معرفی پیامبر اسلام صراحت داشته است که عالم
 نصرانی جاوود بن معلی خدمت پیغمبر اسلام عرض کرد: «**من صفات**
ترادر انجیل یافتم» آنگاه مسلمان شد. وقتی نامه پیامبر اسلام
 بدست نجاشی پادشاه سیحی حبشه رسید، گفت: «**اشهد الله! این**
همان پیغمبری است که اهل کتاب انتظارش می کشند» مقوقس
 پادشاه مصر نیز هنگامی که نامه پیامبر اسلام که او را بمسلمانی دعوت
 کرده بود، بدستش رسید، اعتراف کرد که وی همان پیامبری است
 که اهل کتاب در انتظارش هستند (۱).

نکته ای که در مطالب بالا جلب توجه می کند این است که پیامبر
 موعود را گاهی بعنوان تسلی دهنده و گاهی بعنوان روح راستی و...
 معرفی میکند، این عناوین ترجمه «فارقلیط» است. بقول صاحب
 انیس الاعلام (ج ۲ ص ۱۷۸) این کلمه مشتق از **هر یقلیطوس** است.
بمعنی بی نهایت نامدار و ستوده. همان مؤلف مدعی است که استادش
 کتابی مربوط بقبل از اسلام باونشان داده است که در آنجا فارقلیط
 باحمد و محمد ترجمه شده است، داستانی هم درباره مباحثه شاگردان
 نقل می کند که آنها در باره کلمه مذکور بحثشان بجایی منتهی نشد و
 پس از متفرق شدن آنان، خودمؤلف، حل این مشکل را از قسیس مدرس
 می خواهد و جریان مباحثه شاگردان را با استاد می گوید: استاد گریه
 می کند، سپس می گوید: «**این اسم از اسماء نبی مسلمین می باشد**

۱- تفصیل بیشتر این بحث را در کتاب اسرار العقاید جلد اول مطالعه

که بمعنی احمد و محمد می باشد « سپس دو کتاب بزبان یونانی و سریانی بوی نشان می دهد که در آن دو ، فارقلیط بمعهد واحمد (ص) ترجمه شده بوده است .

۲- انجیل متی باب ۲۴ آیه ۲۳ تا ۴۲ : « پس اگر کسی شماره را گوید که اینک مسیح در اینجاست یا در آنجاست باور ننمایید زیرا که مسیحیان دروغ و پیغمبران کاذب خواهند برخاست و علامات عظیمه و آیات را چنان ظاهر خواهند ساخت که اگر ممکن بود بر گزیدگان را نیز اغوا خواهند کرد . اینک من شماره قبل از آن اخبار نمودم ، پس هر گاه شماره گویند که : اینک در صحراست بیرون مروید یا آنکه در خلوتخانه است باور ننمایید زیرا که چون برق که از مشرق بیرون می آید و تا مغرب ظاهر می گردد ، آمدن فرزندانسان نیز چنین خواهد بود... خواهند دید فرزندانسان را برابرهای آسمان که می آید با قدرت و جلال عظیم و فرشته های خود را خواهد فرستاد با صور بلند آواز و آنها بر گزیدگان نش را جمع خواهند نمود از اطراف اربعه از اقصای فلک تا بفلك دیگر» (۱) .

۱- مضمون این بشارت را می توان در اخبار مربوط بظهور «مهدی موعود» بدست آورد؛ در کتاب سفینه البحار (ج ۲ صفحه ۷۰۲) نقل شده است که : «دفته هایی همچون تاریکیهای شبهای سیاه بر مردم وارد میشود و جز آنهایی که به پیمان خدا عمل کرده اند از آن نجات نمی یابند . چنین کسانی چراغهای هدایت و سرچشمه های علم هستند و خداوند آنان را اذهر فتنه ای رهامی کند . گویا می بینم که صاحب الامر شاد در میان بیش از ۳۱۰ نفر در بالای نجف در پشت کوفه قرار گرفته ، حال آنکه جبرئیل در سمت راست او و میکائیل

۳- انجیل مرقس فصل ۱۳ آیه ۳۵: «بدینطور بیدار باشید زیرا که نمی دانید که صاحب خانه کی می آید در شام یا نصف شب یا بانك خروس یا صبح».

۴- انجیل لوقا فصل ۱۲ آیه ۳۶: «و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود می کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند تا هر وقت بیاید و در را بکوبد بیدارنگ برای او باز کنند».

۵- بر نابا فصل ۴۳ آیه ۲۰: «حق می گویم بشم- بدرستی که هر پیمبری هر وقتی که بیاید پس بدرستی که جز این نیست که از برای فقط يك است ، حامل میشود نشانه رحمت خدای را و از این است که سخن ایشان تجاوز نمی کند از آن طایفه ای که بسوی ایشان فرستاده شده اند ولیکن رسول خدای هر وقتی که بیاید می دهد خدای باو آنچه را که بمنزله انگشتر دست اوست پس حامل میشود خلاص و رحمت را برای امتهای زمین ، آنانکه تعلیم او را می پذیرند و زود است بیاید با توانایی برستمکاران و براندازد عبادت بتان را بحیثیتی که شیطان رسوا شود زیرا که این چنین خدای وعده فرموده بود برابر ابراهیم ، فرمود: ببین بدرستی که بنسل تو همه قبایل زمین را برکت می دهم و همچنانکه

→ در سمت چپ او اسرافیل پیش روی اوست و پرچم پیامبر خدا با اوست... همچنین در کتاب مذکور (ج ۱ صفحه ۶۰۳) نقل کرده است که : «خداوند ذوالقرنین را در انتخاب یکی از دونوع ابرام و سرکش مخیر گردانید و او ابرام را که همان ابرایی بعد و برق است ، انتخاب کرد و اگر ابر سرکش را انتخاب میکرد پذیرفته نمیشد زیرا خداوند آن ابر را برای حضرت قائم علیه السلام ذخیره کرده است .

ای ابراهیم شکستی بتهارا شکستی ، نسل تو زوداست چنین کند . در فصل ۱۱۲ آیه ۱۷ بعد گوید : «لکن هنگامی که بیاید محمد پیغمبر خدا این عیب از من برداشته میشود و این را خدا خواهد کرد زیرا که من اعتراف نمودم بحقیقت مسیا که این جزا را بمن عطا خواهد نمود یعنی که شناخته شوم که من زنده ام و من خالیم از عیب اینگونه مرگ» در فصل ۱۲۴ آیه ۱۰ بعد گوید : «پس وقتی که رسول الله بیاید می آید تا تطهیر کند هر چه را که فاجران خراب کرده اند از کتاب من».



و این بود سیر مختصری که در منابع موجود ، منابعی که اکنون بنام کتب مذهبی - و احیاناً آسمانی - در دست بشر است ، انجام دادیم . بررسی جامعتر و کاملتر این بحث ، بیک کتاب قطور نیازمند است . تنها خوشوقتی ما این است که با این مقاله ، توانسته ایم راه تحقیق را بر روی پژوهندگان حقیقت و طالبان معرفت و بالاخره انسانهایی که طرق بندگی تعصب و جمود بگردن نیفکنده اند ، بگشاییم .

امیدواریم انسانها دوران جادو جنجالهای اجتماعی و سیاسی ، در صدد تحقیق و کشف حق بر آیند و آیین راستین را که همچون خورشید فروزان در پشت ابرهای متراکم اوهم و تعصبات و دشمنیها نورافشانی میکند بجویند و خود را از قیود هوی و هوس رها سازند و زنجیرهای تعصب و خرافات را از گردن خود بردارند .

این است یگانه آرزوی ما ! در راه رسیدن باین آرزو تا آنجا که ممکن است مجاهدت می کنیم و همه انسانها را در راه این جهاد فکری

مقدس دعوت می کنیم و به مصداق وعده فرآن که (۱) براستی سخن خداست اطمینان داریم که خداوند بزرگ یار و پشتیبان ماست و ما را در این راه، تنها نخواهد گذاشت .

راز طول عمر

البته عمر اشخاص تعیین گردیده و جز خدای کسی نمیداند سر نوشت بشر چیست ولی اموری هم وسائل محسوب میشوند که برای طول عمر مؤثر است:

مراعات امور و هکانه ذیل راز طول عمر است :

۱- ورزشهای سبک بدنی و راه رفتن

۲- جلوگیری از چاقی

۳- کم خوردن مواد چربی و شیرینی

۴- کم خوردن غذا

۵- تنفس هوای پاک

۶- خوردن میوه و سبزیجات

۷- عدم عصبانیت

۸- حفظ سلامتی معده

۹- خودداری از استعمال مسکرات

۱۰- خودداری از استعمال دخانیات

(راهنمای زندگی)

۱- من جاهد فینا لنهذبهم سبلنا یعنی کسی که در راه ما جهاد کند راههای خود را با و نشان می دهیم (سوره عنکبوت آیه ۶۹) .